

خوایار



میتثم سعادت

روزنامه‌نگار

گوشی را که روشن می‌کنم انبوهی از پیام‌های تبریک رفقااست به یکی از هم‌پایاله‌ها که مدیریت یک سازمانی را به‌عهده گرفته است. با روی کار آمدن این یکی‌ها، حالا روزنه‌های امیدوی گشوده شده است که بعضی رفقای سابق ما در بعضی شرکت‌ها پست مدیریتی بگیرند و سایرینی مثل ما هم مدام گوشی به‌دست در حال تبریک. یاد گرفته‌ام بنویسم: «به آن شرکت محترم تبریک می‌گویم که فلان رفیق ما را به‌عنوان مدیرعامل در رأس خود می‌بیند». مثل تی‌تاپ دادن به کسی که گشته است، مایه مسرت و شادمانی می‌شود. وقتی خبر انتصاب را شنیدم همین پیام را برای دوستم فرستادم. لحظاتی بعد پاسخ‌اش رسید که بیات را کنار هم این درخت پهناور را آبیاری کنیم. اصلاً به اینجا فکر نکرده بودم. درواقع خبر را سرسری خوانده بودم و گمان می‌کردم رفیق مایه پدیده شاندیز مشهدرفته است اما بعد که بادقت‌تر نگاه کردم، متوجه شدم به «پردازش شکایت‌های مردمی» رفته است، که چون هر دویه اختصار پشم خوانده می‌شوند، این سو‌تفاهم برای من شکل گرفته بود. هر چند از ته دل خوشحال هم شدم که بالاخره سازمانی برای پردازش شکایت‌های مردمی وجود دارد. درواقع اینجا پُر است از سازمان‌های خدمت‌رسان که چون مردم اثر آنها را در زندگی خود نمی‌بینند، به‌قدر کفایت قدردان نیستند. مثلاً سال قبل یکی از دوستان که از مسئولان رده‌بالای سازمان بهینه‌سازی دما بود، دستور داده بود برنامه‌های تابستانی، برعکس برنامه‌های زمستانی باشد و چون در زمستان برنامه دو درجه کمتر، دو لباس بیشتر اجرا شده بود، در تابستان برنامه دو درجه بیشتر دو لباس کمتر را اجرا کرده بود که این دومی، یعنی دو لباس کمتر، در بعضی مکان‌های عمومی و... مشکلات جدی ایجاد کرده بود. البته به‌خاطر افزایش جمعیت، درنهایت هم این کاهش مصرف در نمودار معلوم نبود، وگرنه زحمات دوستان سازمان واضح و مبرهن بود.

در اساسنامه سازمان پشم نوشته بودند؛ گرچه در بدو امر به‌نظر می‌رسد که مشکلات مردم مسائلی مثل تورم، بی‌برقی، گرانی، پایین بودن دستمزدها و ناکارآمدی سیستم اداری است اما تحلیل مشکلات واقعی مردم کاری علمی، زمان‌گیر و پرهزینه است که توسط تسهیلگران نخبه دانشگاهی در این سازمان با هزینه‌ای بسیار کمتر و سرعت بیشتری انجام می‌شود. این سازمان معتقد است این مسائل گرانی و... مشکلات واقعی مردم نیست و در اثر تبلیغات بوق‌های استکباری، مردم این فریب را خورده‌اند و مشکلات واقعی مسائل دیگری است که باید در سازمان پشم اول احصا و پردازش شود و بعد در سازمان‌های دیگری که به همین منظور افتتاح می‌شود، حل‌وفصل شود.

درواقع برنامه‌ریزی سازمان به این صورت بود که قرار بوده مشکلات مردم هر هفته دوشنبه جمع‌بندی شود که متأسفانه هم‌زمان شده با روز قطعی برق در سازمان و الان دو ماه است که جلسه جمع‌بندی برگزار نشده چون اعضای هیئت‌مدیره هر کدام در جایی مشغول هستند و فقط دوشنبه‌ها فرصت حضور دارند و این یکی از مشکلاتی است که مردم نمی‌بینند و فکر می‌کنند در این سازمان هیچ کار مفیدی انجام نمی‌شود.

البته من فکر می‌کنم یکی از دلایلی که این سازمان به اهداف اولیه دست پیدا نکرده، این است که اسم مناسبی ندارد. اگر اسم‌اش طوری می‌شد که به‌صورت مخفف خوایار می‌شد، خیلی جذاب‌تر بود و به احتمال زیاد موفقیت بیشتری به‌دست می‌آورد. مثلاً خدمت انسانی و یاریگری اصولی روز. درواقع مشکل اصلی کشور همین است که وقتی از پشم صحبت می‌شود اصلاً مشخص نیست پردازش شکایت‌های مردمی بوده یا مثلاً پلتفرم شناسایی موسیقی یا چیز دیگری.

نه اینکه من امیدوار باشم سازمان خوایار مشکلات مردم را حل کند. درواقع چیزی که زیاد است سازمان‌پشمی و البته چیزی که زیادت‌ر است، شکایت‌های مردمی. ولی امیدوارم اسم خوایار نسبت به پشم به مردم احساس بهتری بدهد. یعنی وقتی مردم می‌بینند مشکلات آنها نسبت به سال قبل بیشتر نشده، غصه نخورند که پول آنها هزینه پشم شده. غصه بخورند که هزینه خوایار شده. شاید دردش کمتر باشد.

➤ توجه بیش از پیش به‌سینمای تجاری و بدنه

انتقاد دیگری که به جشنواره فیلم کن ۲۰۲۵ وارد شده، اولویت‌دادن به سینمای تجاری و چهره‌های مشهور هالیوود به‌جای تمرکز بر آثار هنری و مستقل است. حضور پررنگ فیلم‌های استودیویی بزرگ مانند «ماموریت غیرممکن - محاسبه نهایی» و کارگردانان مشهوری چون وس اندرسون و اسپایک لی، در کنار اولین تجربه‌های کارگردانی بازیگرانی چون اسکارلت جوهانسون و کریستن استوارت، نشان‌دهنده تلاش جشنواره برای جذب توجه رسانه‌ها و مخاطبان عام گسترده‌تر است تا توجه به هنر سینما. باین حال برخی منتقدان معتقدند که این رویکرد ممکن است به قیمت نادیده گرفتن آثار نوآورانه و جسورانه فیلمسازان کمتر شناخته‌شده تمام شود، که طبق شنیده‌ها، همین‌طور هم شده. همچنین برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که پوشش رسانه‌ای جشنواره بیشتر بر مد و لباس ستاره‌ها در فرش قرمز و رویدادهای جانبی متمرکز بوده تا خود فیلم‌ها و دستاوردهای هنری. این امر می‌تواند نشان‌دهنده تغییر تمرکز جشنواره از یک رویداد صرفاً سینمایی به یک وب‌ترین تبلیغاتی برای برندها و چهره‌های مشهور باشد. با این وجود، جشنواره تلاش‌های عمیقی نیز برای حفظ تعادل بین سینمای تجاری و هنری انجام داده است. از جمله انتخاب فیلم‌هایی از کارگردانان مستقل از سراسر جهان در بخش‌های مختلف جهت حفظ ظاهر و چهره جشنواره.

➤ کنشگری آشکار ۱۹۶۸ و بازتاب‌های ظرفیت‌ر ۲۰۲۵

ماهیت تعامل سیاسی در جشنواره فیلم کن، تضادی آشکار بین سال‌های ۱۹۶۸ و ۲۰۲۵ را نشان می‌دهد. در سال ۱۹۶۸ این تعامل با اقدامات مستقیم، از جمله اعتراضاتی که منجر به لغو ناگهانی جشنواره شد، مشخص می‌شد که ناشی از حس همبستگی سینماگران با جنبش‌های اجتماعی و سیاسی ملی بود. در مقابل، تعامل سیاسی در سال ۲۰۲۵ به‌نظر می‌رسد بیشتر بر مضامین و روایات کمریسکت‌ر درون فیلم‌های انتخاب‌شده، همچنین اظهارات و بحث‌های عمومی چهره‌های برجسته حاضر در جشنواره متمرکز باشد، تا اینکه شاهد اختلال مستقیم در خود رویداد باشیم. این تغییر از کنشگری مستقیم به بازتاب‌های موضوعی و گفتمان می‌تواند نشان‌دهنده تغییرات قابل‌توجهی در نگرش‌های اجتماعی نسبت به اعتراض و نقش نهادهای فرهنگی و هنری در جنبش‌های سیاسی باشد. فوریت و ضرورت درک‌شده برای تعطیلی جشنواره در سال ۱۹۶۸، ناشی از حس قوی همبستگی فوری با اعتراضات ملی و قیام‌های دانشجویی، در تضاد با ابراز نظرات سیاسی محدودتر در سال ۲۰۲۵ قرار دارد که ممکن است نشان‌دهنده سطح متفاوت بحران درک‌شده یا تغییری در استراتژی‌های هنرمندان برای تعامل با مسائل سیاسی در چارچوب یک رویداد بین‌المللی بزرگ باشد.

➤ نتیجه‌گیری

در مقایسه با سال ۱۹۶۸، جشنواره کن ۲۰۲۵ شاهد حضور پررنگ‌تر فیلم‌های هالیوودی در بخش رقابتی است. در حالی که در سال ۱۹۶۸، موج نو به‌عنوان یک جنبش متحد و منتقد در برابر سینمای تجاری قد علم کرده بود و حتی منجر به لغو جشنواره شد، در سال ۲۰۲۵، اگر چه سینمای مستقل و تجربی همچنان جایگاه کوچکی دارد، اما به‌نظر می‌رسد نفوذ صنعت و تجارت سینما، همچنین توجه رسانه‌ها به فرش قرمز و چهره‌های مشهور افزایش یافته است. رد شدن فیلم‌هایی از کارگردانان مستقل نیز می‌تواند نشانه‌ای از تغییر اولویت‌ها باشد. از طرفی اعتراضات سال ۱۹۶۸، به قدردانی بیشتر از سینمای متعهد به برنامه‌ریزی جشنواره در سال‌های بعد کمک کرد. روندی که به‌نظر می‌رسد در انتخاب سال ۲۰۲۵ بدون تمرکز جدی بر مضامین اجتماعی و سیاسی معاصر، متوقف شده است.

*[از نفس افتاده (À bout de souffle)، تأثیرگذارترین فیلم موج نو سینمای فرانسه، ساخته ژان لوک گدار. این عنوان به‌زعم نویسنده، ارتباط مستقیمی با مقایسه جشنواره فیلم کن بین سال‌های ۱۹۶۸ و ۲۰۲۵ دارد

و تأمین مالی فیلم و استراتژی‌های در حال تحول خود جشنواره فیلم کن، برای حفظ اعتبار و جذب توجه بین‌المللی باشد. اما نباید نادیده گرفت که بطن ماجرا این گونه نمی‌نمایاند. گویا صرفاً کن ۲۰۲۵ تبدیل به یک شعبه از سینمای تجاری آمریکا شده است و باید در نظر گرفت که هالیوود گاهی کارگردان‌های سابقاً مستقل را نیز در خود هضم کرده است. نمایش اولیه یک اثر کلاسیک هالیوود در جشنواره متوقف‌شده سال ۱۹۶۸، به‌رغم ناآرامی‌های در حال جوشش علیه سینمای جریان اصلی، نشان‌دهنده تنش دیرینه‌ای در کن، بین نقش آن به‌عنوان ویتربینی برای نوآوری‌های هنری و عملکرد آن به‌عنوان یک بازار بزرگ فیلم بین‌المللی است، تنش که احتمالاً همچنان به شکل‌های مختلف در جشنواره امروز به شکل‌گیری برنامه‌ها و رابطه آن با هالیوود ادامه می‌دهد. حضور فعلی، فیلم‌های استودیویی بزرگ و تولیدات مستقل آمریکایی در بخش‌های مختلف جشنواره، نشان‌دهنده رابطه ظریف‌تر و شاید کمتر خصمانه بین کن و هالیوود در سال ۲۰۲۵ در مقایسه با پویایی قطبی‌تر سال ۱۹۶۸ است.

➤ اهمیت رد فیلم‌ها در هر دو دوره

رد فیلم‌ها جنبه‌ای ذاتی از هر جشنواره رقابتی فیلم است، اما اهمیت‌شان و دلایل اساسی پشت آن‌ها می‌تواند بسته به زمینه و دوره خاص، تفاوت قابل‌توجهی داشته باشد. در سال ۱۹۶۸ مهم‌ترین شکل «رد»، رد هنری و سیاسی خود جشنواره توسط گروه برجسته و تأثیرگذاری از فیلمسازان در پاسخ به فضای اجتماعی و سیاسی حاکم بود. در مقابل در حالی که رد فیلم‌های شخصی، بدون شک برای جشنواره فیلم کن ۲۰۲۵ رخ داده است. «رد» جشنواره در سال ۱۹۶۸ یک بیانیه سیاسی عمیق با پیامدهای دورس بود که در نهایت منجر به لغو بی سابقه این رویداد شد. رد فیلم‌های شخصی در سال ۲۰۲۵، در حالی که احتمالاً برای فیلمسازان مربوطه ناامیدکننده است و بحث‌هایی را در جامعه فیلم به‌راه می‌اندازد، به‌نظر می‌رسد که همان سطح اهمیت سیاسی با اجتماعی مستقیم‌ر در کنار اهمیت به ماهیت سینما و اهمیت به بر خوردهای فرمی که از جشنواره انتظار می‌فت، در رابطه با مشروعیت یا عملکرد کلی جشنواره داشته باشد. این تفاوت اساسی بر زمینه‌ها و اولویت‌های متمایز هر دوره تأکید می‌کند، جایی که سال ۱۹۶۸ هنر خالص‌تر و در کنار آن اقدام سیاسی جمعی را در اولویت قرار می‌داد و سال ۲۰۲۵ بیشتر بر فرآیند انتخاب رقابتی براساس ملاحظات تجاری-سیاسی متمرکز است. دلایل ردشدن در هر دو دوره - چه ناشی از همبستگی سیاسی، سلیقه‌های هنری در حال تحول، همسویی موضوعی یا حتی هویت ملی و دغدغه‌مندی انسانی - می‌تواند بینش‌های ارزشمندی در مورد ارزش‌ها و اولویت‌های حاکم در صنعت فیلم و جشنواره فیلم کن در نقاط مختلف تاریخ آن ارائه دهد.

➤ بی‌توجهی‌های سیاسی و انسانی

جشنواره فیلم کن ۲۰۲۵، با وجود پرداختن به برخی مضامین اجتماعی و سیاسی، با انتقاداتی در زمینه بی‌توجهی به مسائل مهم سیاسی و انسانی روبه‌رو شده است. در حالی که جشنواره با نمایش فیلم‌هایی درباره اوکراین و پرداختن به موضوعاتی چون جنگ غزه تلاش کرده تا حدودی به این مسائل بپردازد، برخی منتقدان بر این باورند که این اقدامات کافی نبوده و جشنواره می‌توانست موضع قاطع‌تری در قبال این بحران‌ها اتخاذ کند. نامه سرگشاده بیش از ۳۵۰ متخصص صنعت فیلم در محکومیت «نسل‌کشی در غزه» و درخواست از نهادهای سینمایی برای واکنش قوی‌تر، نشان‌دهنده وجود نگرانی‌هایی در این زمینه است. همچنین برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که در کنفرانس مطبوعاتی اولیه هیئت‌داوران، سوالاتی درباره بی‌طرفی جشنواره در قبال بحران غزه با سکوت ناراحت‌کننده‌ای روبه‌رو شد. این موضوع در کنار گزارش‌های مبنی بر امتناع اولیه ژولیت بینوش، رئیس هیئت‌داوران، از امضای نامه سرگشاده مذکور (که بعداً امضاء کرد)، می‌تواند نشان‌دهنده تردید یا محافظه‌کاری جشنواره در پرداختن به مسائل سیاسی حساس باشد. از سوی دیگر، حضور فیلمسازانی از کشورهایی با مسائل حقوق بشری پیچیده در بخش رقابتی، می‌تواند هم به‌عنوان حمایت از هنرمندان در شرایط دشوار تلقی شود، هم به‌عنوان عدم‌توجه کافی به وضعیت حقوق بشر در این کشورها مورد انتقاد قرار گیرد.



در مقایسه با سال ۱۹۶۸، جشنواره کن ۲۰۲۵ شاهد حضور پررنگ‌تر فیلم‌های هالیوودی در بخش رقابتی است. در حالی که در سال ۱۹۶۸، موج نو به‌عنوان یک جنبش متحد و منتقد در برابر سینمای تجاری قد علم کرده بود و حتی منجر به لغو جشنواره شد، در سال ۲۰۲۵، اگر چه سینمای مستقل و تجربی همچنان جایگاه کوچکی دارد، اما به‌نظر می‌رسد نفوذ صنعت و تجارت سینما، همچنین توجه رسانه‌ها به فرش قرمز و چهره‌های مشهور افزایش یافته است

متوالی در خارج از مراسم افتتاحیه تظاهرات کردند و خواستار بهبود شرایط کاری و وضعیت «کارمندی متناوب» برای کارکنان تلویزیون و فیلم فرانسه شدند که مسائل اجتماعی-اقتصادی درون صنعت را برجسته می‌کند. دو فیلم قابل‌توجه در کن اسمال حضور دارند. اولی فیلم «بله!» ساخته ناداو لاپید که ظاهر آیه درگیری اسرائیل و حماس می‌پردازد و دومی فیلم «روح‌تر را بر دستت بگذار و راه برو» ساخته سبیده فارسی به‌عنوان ادای احترام به یک عکاس خبری فلسطینی که در غزه کشته شده است، عمل می‌کند که مختصراً نشان‌دهنده تعامل جشنواره با رویدادهای سیاسی خاص جهانی است.

➤ نقش سینمای مستقل و موج نو در گذشته و حال

در سال ۱۹۶۸، جنبش موج نوی فرانسه نیروی محرک و متحدی در پس اعتراضات کن بود که از صداهای مستقل در سینما حمایت می‌کرد و فعالانه سلطه فیلمسازی جریان اصلی و متکی به چالش‌کشیدن و دگرگون کردن قراردادهای سینمایی در دهه ۱۹۶۰ احتمالاً راه را برای پذیرش و برجستگی بیشتر سینمای مستقل و مؤلف در جشنواره‌های فیلم بین‌المللی مانند کن هموار کرده بود. همانند میراث ماندگار موج نو از طریق تأسیس بخش دوهفته کارگردانان، یک بخش مستقل در کن، در حالی که اسمال نه‌تنها یک «موج نو» واحد و منسجم وجود ندارد، بلکه به روحیه فیلمسازی مستقل - که با نوآوری، تفسیر اجتماعی و انحراف از فرمول‌های جریان اصلی مشخص می‌شود - که باید جنبه حیاتی و مورد تجلیل جشنواره باشد نیز توجه‌چندانی نشده است. باید گفت که تکامل از یک جنبش متحد به چشم‌اندازی متنوع‌تر و پراکنده‌تر از صداهای مستقل، می‌تواند نشان‌دهنده روندهای گسترده‌تر در تولید هنری و فرهنگی جایی که بیان فردی و جوامع تخصصی ممکن است برجسته‌تر از جنبش‌های بزرگ و جمعی شده باشند. میراث کنشگری موج نو در سال ۱۹۶۸ نیز ممکن است به‌طور غیرمستقیم بر فیلمسازان مستقل معاصر تأثیر گذاشته باشد تا به تعامل با مضامین اجتماعی و سیاسی در آثارشان ادامه دهند، هر چند از طریق روش‌های مختلف و با درجات متفاوتی از اقدام مستقیم. هر چند این دسته نگاه‌ها در کن ۲۰۲۵ به‌طور واضحی قابل مشاهده نیست.

➤ نفوذ هالیوود و پویایی‌های متغیر در جشنواره

هالیوود در طول دهه‌ها، رابطه پیچیده و در حال تحولی با جشنواره فیلم کن داشته است. در سال ۱۹۶۸، در حالی که برخی از آثار کلاسیک هالیوود به نمایش درآمدند، در میان فیلمسازان موج نوی فرانسه که اعتراض می‌کردند، احساس مخالفت آشکاری با آنچه آنان سلطه سینمای «متکی به استودیو» و تجاری‌گرا می‌دانستند، وجود داشت. در سال ۲۰۲۵، فیلم‌های هالیوود همچنان حضور قابل‌توجهی در کن دارند و پویایی‌های پذیرش آنان، نفوذشان در رابطه با سینمای بین‌المللی و مستقل و نگرش کلی جشنواره نسبت به آنان مشخصاً دستخوش تغییرات قابل‌توجهی نبوده است. در حالی که جشنواره ۱۹۶۸ با فیلم کلاسیک هالیوودی «بربادرفته» افتتاح شد، کارگردانان موج نوی فرانسه به‌طور آشکار علیه «سینمای بابایزگ‌ها» و فیلم‌های متکی به استودیو اعتراض کردند و آن‌ها را از نظر هنری خفقان‌آور می‌دانستند. کن ۲۰۲۵ در همه بخش‌ها سرشار است از بلاک باسترهای پر هزینه و گاهاً فیلم‌های مؤلف مستقل (باز هم) آمریکایی. برخی از فیلم‌هایی که قبل از لغو جشنواره ۱۹۶۸ به نمایش درآمدند، واکنش‌های متفاوتی را برانگیختند. تضاد بین مقاومت موج نو در برابر سلطه درک‌شده هالیوود در سال ۱۹۶۸ و حضور برجسته و متنوع فیلم‌های آمریکایی در سال ۲۰۲۵ می‌تواند ظاهراً منعکس‌کننده تغییرات قابل‌توجهی در صنعت فیلم جهانی، از جمله ظهور سینمای مستقل آمریکا، افزایش جهانی شدن تولید

